

متن پرسش

با سلام و نور و رحمت خدمت استاد عزیزم: امشب که آغاز ماه مبارک ذی الحجه هست با خود مداوم حدیث می‌کنم از حکمت خداوند و جربانی که حضرت موسی در این روز و شب‌ها و خلوت‌ها و انس‌ها داشته و افزوده شدن ده شب و در نهایت مواجه با امری که قوم او در غیاب او کردند و البته حق به همه ی اینها آگاه و ... و ... و اما جالب برایم این بود که در خلع نعلین که به تعبیری شاید دنیا و تعلقات آن باشد، فرمان است و تذکر و حضرت موسی خود اراده خلع نمود اما در خلع انیت خود، تجلی است و به اراده او آیا قاعده این گونه است؟ و چون اسماعیل وجودت که در واقع خودیت توسست حتی به نورانیت بخواهی قربانی کنی، خود نمی‌توانی و باید ابراهیمی باشد که تو را از خود ذبح کند. و چه دلتنگ این حضور هستم. کجاست طور سینای عاشقان و عارفان؟ چگونه به این کوه باید صعود کرد؟ و این چه خیالی است که سودای رها کردن ندارد و جان را می‌سوزاند و خاکسترش خاموشی ندارد؟ کدام جهنم سخت تر و سوزاننده تر از نرسیدن! ندیدن! نگفتن و نشنیدن! استاد آیا درست است این فهم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این‌جا است که پس از نظر به انسان‌هایی تا این اندازه بزرگ و فرهیخته از یک طرف اوج انسانیت را مدّ نظر می‌آوریم و از طرف دیگر، خطرِ ماندن در راه را. و در این رابطه همت حضور در آن فضا به میان می‌آید که چگونه حضرت کلیم الله در میدان میقات با پروردگارشان حاضر شدند تا معلوم شود انسان‌ها تا کجا امکان حضور دارند. لذا در دههٔ ماه مبارک ذی‌الحجه در بین نماز مغرب و عشاء متذکر این امر می‌شویم: «وَوَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرَةِ أَيَّامٍ فَإِذَا مَنَّ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ لَيْلَةَ وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلِفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» تا در خود نیز جستجوی چنین حضوری را داشته باشیم.

https://eitaa.com/mahdavi_arfae/۲۳۶۲۳

موفق باشید